

## چند شعر به زبان کرجی، تبریزی و غیره

علی اشرف صادقی

چندی پیش کتابخانه مجلس شورای اسلامی مجموعه بسیار نفیسی را که مشتمل بر حدود ۲۰۰ رساله کوچک و بزرگ است خریداری کرد. این مجموعه در نیمه اول قرن هشتم در آذربایجان نوشته شده است. در آخر نسخه‌ای از لغت فرس اسدی که در ورقهای ۳۰۷ الف تا ۳۱۲ ب آمده تاریخ ۷۲۱ با عبارت زیر دیده می‌شود: «... ضحوة يوم احد ۲۲ جمادى الآخرة ۷۲۱ بمقام سهند يدعى بالفارسية آب رودان سر والشمس اذ ذاک فی اوائل برج الاسد» و آخرین تاریخی که در مجموعه آمده ۷۳۶ است. کاتب مجموعه شخصی به نام محمد بن مسعود بن مظفر است. بعضی از رساله‌های مجموعه عبارت‌اند از کتاب الهدایة فی اصول الفقه، کتاب انتخاب سامی فی علم اللغة، کتاب منظوم فی العروض والقوافی از ابن حاجب، مناظره سرود و آب از نظام‌الدین اصفهانی، چند مناظره دیگر و غیره. بسیاری از رساله‌های این مجموعه از شخصی است به نام امین‌المله والدين ابوالقاسم‌الحاج بله. این شخص مطابق آنچه در ورق ۳۴۰ ب آمده در سال ۷۲۰ در دمشق درگذشته است. از جمله رساله‌های کوتاه مجموعه که از ورق ۳۴۰ ب به بعد آمده رساله‌ای است به نام کتاب فی طریق الآخرة که از همین حاج بله است. در این رساله مقداری شعر به لهجه‌های محلی غرب ایران آمده است. از این اشعار پنج بیت دارای عنوان اورامنان و سه بیت دارای عنوان شروینان، دو بیت به زبان کرجی و چهار بیت به زبان تبریزی است.

نگارنده در جای دیگر سه بیت شروینان را نقل کرده و درباره آنها و در باب کلمه اورامنان به تفصیل بحث کرده است.<sup>۱</sup> در اینجا به نقل بقیه اشعار با مختصر توضیحی می‌پردازد.

۱. رک. یادنامه دکتر احمد تقضلی (زیر چاپ).

زبان کرجی

کهان اره میزره بونکشت کیحی نرسی    بپای کیحی دَنَشو کهان اره بوللکا  
غلام کیخسرو می که نیکش اندیشه بکه    اجینی میانه بورت بهی تنش کالارهوا ۲

زبان تبریزی

دَچان چو چرخ نکویت مو<sup>۱</sup> ایر رهشه مهر<sup>۲</sup> دورش  
چَوش دَ کارده شکویب وُلول وِدارد سَریوه  
بَری بقهر اره میر دون جو پور زون و هنرمند ۴  
پروکری آنزونون منی که آن هزیوه

الکثر بخت ورامرو کی چرخ هانزموپتی

ژور منشی چو بخت اهون قدریوه  
نه حرخ اسه ثبوتی نه روژو ورو فوتی ۶  
ژوم چو واش خللیوه ژمم حو بورضی ریوه

اورامنان

بله چه سوری انوته دیر وانئی    وررده کو رَج دشوار زاهان

اورامنان

بچویان تجرنئی منده آهرو ۸  
مَتر بکرته چویان در و دشت  
اَج وُل رنک و اج و انوشه بو  
نه او شله وزی نه خوردمی شو

اورامنان

بنسدم والوا با دل برنجیر ۱۰  
زانک واری نادان ش نشانست  
دمهراج نارهان بهررت اج ویر  
مرز اوی مرزوانان هیز اوی هیز

توضیحات

از زبان کرجی در اینجا منظور کرج ابودلف است که امروز به آستانه شهرت دارد و در ۳۶ کیلومتری جنوب اراک قرار گرفته است. بیت دوم این اشعار با ضبطی متفاوت در تسلیة الاخوان عطاالملک

۱. مر نیز خوانده می شود.

۲. اصل: منشی

جوینی (ص ۴۷) نیز آمده و زبان آن پهلوی دانسته شده است. در این کتاب این شعر به کافی ظفر کرجی نسبت داده شده است. حمدالله مستوفی (۹-۱۳۳۶: ۷۴۶) در شرح حال کافی کرجی می‌نویسد: «... ابوالفرج احمد بن محمد، مداح مجدالدین علاءالدوله همدانی بود، به اول فترت مغول در گذشت؛ به زبان کرجی اشعار خوب دارد». مستوفی سپس شش بیت از اشعار او را به زبان کرجی نقل می‌کند (مستوفی، ۷۴۷). ضبط تسلیه‌الاحوان از بیت مورد بحث چنین است:

غلام کیخسرو می که نیکش اندیشه بکا ازی میانه بورت سحرمش<sup>۱</sup> کاله ورا<sup>۲</sup>

از عبارت جوینی که می‌نویسد: «وکافی ظفر کرجی به زبان پهلوی خوش گوید» برمی‌آید که او معنی این شعر را کاملاً درمی‌یافته که به آن استناد کرده است. بنابراین ضبط او نسبت به ضبط مأخذ ما ارجح به نظر می‌رسد. این نکته را وزن مصراع دوم که در ضبط جوینی با وزن مصراع اول یکسان است نیز تأیید می‌کند. در بیت اول کهان به معنی «جهان» است، اما معنی و ضبط کلمات اره، میزه، بکشت معلوم نیست. کیچی به احتمال قریب به یقین تصحیف کیچی به معنی «کسی» است. در مصراع دوم کلمه اره تکرار شده و معنی للکا نیز معلوم نیست. معنی بیت: «جهان ... باشد به ... کسی نرسی - به پای کسی در نشو، جهان ... باشد ...». معنی مصراع اول بیت دوم روشن و بدین شرح است: «غلام کیخسرو هستم که اندیشه نیک کرد.» صورت دیگر بکا در جوینی بکه است و ظاهراً او این کلمه را به تلفظ رایج در پیرامون خود درآورده است. بکه با -ش سوم شخص مفرد ماضی ساده فعل کردن است. معنی و ضبط کلمات مصراع دوم بیت دوم متأسفانه روشن نیست. معنی ابیات تیریزی متأسفانه به کلی نامعلوم است و تنها بعضی از کلمات آنها را می‌توان تشخیص داد.

در بیت هفتم به ظاهراً اشاره به نام مؤلف رساله، حاج بله است. اگر این حدس درست باشد این شعر از خود او است. سوری ظاهراً به معنی «سودی» است. انو احتمالاً همان کلمه فارسی میانه anōh به معنی «آنجا» است. اگر وانی را تصحیف یا تبدیل مانی بدانیم و معنی پیشنهادی سایر کلمات درست باشد معنی مصراع چنین است: «بله چه سودی که تو آنجا دیرمانی؟» سایر کلمات مصراع دوم بجز کلمه دشوار مشخص نیستند. در بیت هشتم احتمالاً کلمه منده مبدل مانده است، اما ضبط و معنی سایر کلمات روشن نیست. در مصراع دوم واژه به معنی «بنفشه» و معنی مصراع چنین است: «از گل رنگ و از بنفشه بو»

۱. در سه نسخه دیگر کتاب: بجرمیش، بجرمیش، بجرمیش

۲. در نسخه دیگر: ودا

در مصراع اول بیت نهم مُتر ظاهراً مبدل منت (= من + ت) است. ت‌های بعد از مصوت در زبان پهلوی آذربایجان به ر بدل می‌شده است. اما بکرته در همان جا به دشواری می‌تواند همان بکردهٔ فارسی باشد. یان همان کلمهٔ جان و معنی در و دشت نیز روشن است، اما ضبط و معنی واژه‌های مصراع دوم روشن نیست. در بیت دهم ظاهراً آخرین حرف قافیه راست، اما در مصراع چهارم کلمهٔ قافیه به شکل هیز ضبط شده که باید غلط باشد. معنی این دو بیت به هیچ وجه روشن نیست و تنها بعضی کلمات آن قابل تشخیص است. (دمهر در مصراع دوم بیت دهم یعنی «در مهر» و معنی مصراع آخر ظاهراً چنین است: «مرز بی‌مرزبانان ۰۰۰ بی ۰۰۰».)

### کتابنامه

جوینی، عظاملک، ۱۳۶۱. تسلیة الاخوان. به کوشش عباس ماهیار، تهران، گروه انتشاراتی آباد.  
مستوفی، حمدالله، ۹-۱۳۳۶. تاریخ‌گزیده. به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر.

منتشر شد

